

اهمیت زبان محاوره در آموزش

تفاوت زبان محاوره و زبان نوشتاری در فارسی مشکلاتی در امر آموزش بالاخص در خارج از کشور بدنبال داشته که رایج ترین آن ارجحیت دادن به زبان نوشتاری به دلیل موجودیت مواد لازم در این زمینه و به فراموشی سپردن زبان محاوره در تدریس به جهت کمبود ابزار آموزشی در این حیطره می باشد.

از جمله امکانات با ارزش در خصوص زبان محاوره اشعار زیبای مریم حیدرزاده می باشد که چه به صورت کتاب و چه به صورت CD با صدای آرام و دلنشین خودشان، قابل تهیه می باشند. ایشان از اواخر دهه هفتاد (۷۰) با بکارگیری از کلمات ساده و روان به نوشتن اشعاری نو به زبان محاوره همت گماشتند که توجه بسیاری از هموطنان را در داخل و خارج ایران جلب نموده است.

سه آلبوم معروف او عبارتند از: "مثل هیچکس"، "بخاطر تولدت"، "یا تو یا هیچکس". از اینرو اشعار این شاعر جوان که در نهایت سادگی قلبها را تسخیر می کند، در امر آموزش به کودکانی که تا حدی به زبان فارسی آشنایی دارند، جهت پیشبرد مهارت گفتار ایشان توصیه می شود.

در ذیل یکی از زیباترین اشعارشان که دارای ابیاتی بسیار کوتاه، اما موزون و روان می باشد – آن گونه سلیس که می توان از آن در امر آموزش فارسی محاوره ای استفاده کرد – در اختیارتان قرار داده خواهد شد. باشد که لذت ببرید. (فاطمه حسن زاده، برلین)

"گفتگو" از آلبوم "مثل هیچکس"، مریم حیدرزاده

من میگم بهم نگاه کن
تو میگی که جون فدا کن

من میگم چشات قشنگه
تو میگی دنیا دو رنگه

من میگم چقدر تو ماهی
تو میگی اول راهی

من میگم بمون همیشه
تو میگی ببین نمیشه

من میگم خیلی غریبم
تو میگی نده فریبم

من میگم خوابت و دیدم
تو میگی دیگه بریدم

من میگم هدف و صاله
تو ولی میگی محاله

من میگم یه عمره سوختم
تو میگی قلبم و دوختم

من میگم چشمات و وا کن
تو میگی من و رها کن

من میگم خیلی دیوونم
تو میگی آره می دونم

من میگم دلم شکسته ست
تو میگی خوب میشه خسته ست

من میگم بشین کنارم
تو میگی دوست ندارم

من میگم بهم نظر کن
تو ولی میگی سفر کن

من میگم واسم دعا کن
تو میگی نظر رضا کن

من میگم قلبم و نشکن
تو میگی من می شکنم من؟

من میگم واست می میرم
تو میگی نمی پذیرم

من میگم شدم فراموش؟
تو میگی نه رفتم از هوش

من میگم که رفتم از یاد
تو میگی نه، مرده فرهاد

من میگم باز شدی حیرون
تو میگی بیچاره مجنون

من میگم ازم بریدی؟
تو می پرسى ناامیدی؟

من میگم و اسم عزیزی
تو میگی زبون می ریزی؟

من میگم تو خیلی نازی
تو میگی غرق نیازی

من میگم دلم رو بردی
تو میگی به من سپردی؟

من میگم کردم تعجب
تو میگی دیگه بگو خب

من میگم تنهایی سخته
تو میگی این دست بخته

من میگم دل تو رفته؟
تو میگی هفت روز هفته

من میگم راه تو دوره
تو میگی چاره عبوره

من میگم میخوام بشم گم
تو میگی حرفای مردم!

من میگم نگذری ساده
تو میگی آدم زیاده

من میگم دل به تو بستن؟
تو میگی اینقده هستن

من میگم تنهام می ذاری؟
تو میگی طاقت نداری؟

من میگم خدا به همراهات
تو میگی چه تلخه حرفات

من میگم اهل بهشتی
تو میگی چه سرنوشتی

من میگم تو بی گناهی
تو میگی چه اشتباهی

من میگم که غرق دردم
تو میگی می خوام بگردم

من میگم چیزی می خواستی؟
تو میگی تشنمه راستی

من میگم از غم آبه
تو میگی دلم کبابه

من میگم برو کنارش
تو میگی رفت پیش یارش

من میگم با تو چه کار کرد؟
تو میگی کشت و فرار کرد

من میگم چیزی گذاشته؟
تو میگی دو خط نوشته

من میگم بختش سیاهه
تو میگی اون بی گناهه

من میگم رفته که حالا
تو میگی مونده خیالا

من میگم میاد یه روزی
تو میگی داری می سوزی؟

من میگم رنگت چه زرده
تو می پرسى بر مى گرده؟

من میگم بیاد الهی
تو میگی که خیلی ماهی

من میگم ماهت سفر کرد
تو میگی ترو خبر کرد؟

من میگم هر کی با ماهش
تو میگی بار گنااهش

من میگم تو بیوفایی
تو میگی بریم به جایی

من میگم دلم اسیره
تو میگی نه خیلی دیره

من میگم خدا بزرگه
تو میگی زندگی گرگه

من میگم عاشق پرنده ست
تو میگی معشوق برنده ست

من میگم به روزا شک کن
تو میگی بهم کمک کن

من میگم خدا نگهدار
تو میگی تا چی بخواد یار

من میگم که تا قیامت
برو زیبا به سلامت

پشتت و آب نمی ریزم
که نروندت عزیزم